

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجاهمین

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۲

عنوان: نقد کتاب سبک‌شناسی معماری ایرانی

سخنرانان و اعضای پنل: آقای دکتر حسین سلطان زاده، آقای دکتر اسکندر مختاری، آقای مهندس فرامرز

پارسی

نشست با سخنرانی دکتر سلطان‌زاده و نقدهای دکتر مختاری و مهندس پارسی آغاز شد و پس از آن با پرسش و پاسخ توسط اعضای پنل و پاسخگویی سوالات توسط دکتر سلطان‌زاده، خاتمه یافت.

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به قرار زیر است:

سخنران اول آقای دکتر سلطان‌زاده

وی در ابتدا در مورد اصول کلی در زمینه مباحث مطرح شده توسط دکتر پیرنیا شامل "درونگرایی، پرهیز از بیهودگی، نیارش و مردم‌واری" مواردی را مطرح کرد و نظر خود را در این خصوص ارائه کرد و گفت: "این اصول فقط مختص به ایران نبوده، بلکه به همه معماری‌های کهن اختصاص دارد، بدلیل اینکه مصالح ثابت نبوده، تنوع شدید فرهنگی تأثیرگذار بوده و جنبه‌های نیارشی به محیط و مصالح بستگی داشته و مردم‌واری همه جای جهان همین گونه بوده است." در ادامه وی اشاره به این امر کرد که پیرنیا جایگاه یگانه و شایسته‌ای داشته است و نقد مطالب ایشان از ارزش ایشان کم نخواهد کرد، این مسائل جزء علوم انسانی است و در طول تاریخ تغییر می‌کند. وی در ادامه اشاره به این مطلب کرد که در دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ معماران براساس اصول معماری ایرانی، طراحی می‌کردند. این اندیشه در اجرا نیز در جامعه ما اثر گذاشته بود. همچنین درونگرایی و برونگرایی در معماری ایرانی مورد توجه قرار گرفت و به این دلیل که فکر می‌کردیم درونگرایی ایرانی و به این دلیل که فکر می‌کردیم درونگرایی، ایرانی و اسلامی بودن را نشان می‌دهد، خیلی از ساختمان‌ها این طور طراحی شدند در حالیکه نباید به صورت درونگرا طراحی می‌شدند. وی در ادامه گفت: از نظر طبقه بندی و شناخت ما می‌دانیم که شناخت وقتی توسعه پیدا می‌کند که همراه با طبقه بندی باشد، عدم شناخت دقیق باعث می‌شود که ما احساس کنیم که معماری ایرانی هیچ چیز برای ادامه دادن ندارد. و ما در دوران معاصر نتوانستیم یک طراحی مناسب در رابطه با فضاهای باز و بسته داشته باشیم. مثلاً در رابطه با درونگرایی و برونگرایی و یا در باغ ایرانی یا کوشک که اگر آنها را بشناسیم، می‌بینیم که چه تنوع بی نظیری دارند. ما وجه‌های زیادی از معماری ایرانی را نشناختیم و شناخت ما غالباً شناخت کالبدی و شناخت جسد یک مجموعه بوده و ارتباطش با زندگی مردم و فرهنگ مردم را نادیده گرفته‌ایم.

و نکته دیگر اینکه در جامعه ایرانی ما در حوزه نظریه‌پردازی ضعیف عمل کرده‌ایم. ما انسان‌های فرهیخته در جامعه زیاد داریم ولی دنبال کارهای شفاهی‌اند نه تدوین.

سخنران دوم آقای دکتر اسکندر مختاری

وی سخن خود را اینگونه آغاز کرد: "امروز از دیدگاه دیگری صحبت می‌کنم و آن نقدی است بر کتاب دکتر

سلطانزاده" او نکاتی را در رابطه با کار دکتر سلطانزاده مطرح کرد که از این قرار است:

اولین نکته‌ای که عنوان می‌کنم ظاهراً در دو موضوع، اصول و طبقه‌بندی سبکی او است، او فرضیاتی را بر خودش مفروض دانسته است. ما با این فرضیات به مشکل بر می‌خوریم، یکی از فرضیات این است که اگر اصول معماری ایران منطبق بر اصول معماری جهان باشد این اصل زیر سوال می‌رود یا اصلی که دکتر بر سبک‌شناسی پیرنیا دارند و به جای سبک‌شناسی می‌گویند نام‌گذاری سبک‌های ادبی مکتب‌های نگارگری و... و این اصل زیر سوال است. نکته دوم اینکه در کتاب وی مبانی نقد رعایت شده است اصلاً مبانی نقد هنری یک چیز است، مبانی نقد ادبی یک چیز و مبانی نقد معماری یک چیز دیگر است من در طول مطالعه‌ای که صورت گرفت این سوال برایم بوجود آمد که این کاری که آقای سلطانزاده انجام دادند نقد است یا ایراد و اشکال اگر ایراد و اشکال باشد به جاست اگر نقد باشد، این نقد نیست. نقد بر معیارهایی استوار است که منتقد موظف است در ابتدای نقد در مورد دیدگاه‌هایی که نقد بر آن استوار است، توضیح دهد. این دیدگاه‌ها یا امری پذیرفته شده و شناخته شده هستند یا اینکه مولف به عنوان دیدگاه‌های خودش برای اولین بار آنها را ذکر می‌کند. این همان چیزی است که باعث می‌شود سبک‌شناسی پیرنیا تا این درجه مورد توجه قرار می‌گیرد. من تصور می‌کنم معیارهای دکتر سلطانزاده در حین نقد دچار تغییر می‌شود.

وی در ادامه مطرح کرد که پیرنیا به عنوان یک پژوهشگر دارای نقص است ولی به عنوان یک انسان خلاق شایسته تقدیس است، من در مورد سبک‌شناسی او اینگونه می‌گویم که وی سبک‌شناسی و طبقه‌بندی نکرده بلکه سبک‌های شاخص معماری ایرانی را نام‌گذاری کرده است. او در آخر این موضوع را مطرح کرد که: "من تصور می‌کنم که ما دو راه داریم که سبک‌شناسی پیرنیا را تعمیم یا توسعه دهیم یا اینکه یک سبک‌شناسی خودمان پیشنهاد کنیم در واقع ما کوتاهی کردیم که تولید دانش نکردیم و از دانش دیگران بهره بردیم".

سخنران سوم آقای مهندس فرامرزی پارس

وی نظرات خود را در مورد کار دکتر سلطانزاده اینگونه مطرح کرد که به نظر وی در جامعه ما امروز امور را به حیطة امور مقدس متمایل می‌کنند و وقتی وارد امر مقدس شد، نقد بر آن وارد نمی‌شود، نقد کردن خوب است اما به شرط آنکه که نقد اصولی باشد که قدم خوبی در فضای تئوریک تاریخ معماری ایران است. وی دو سوال را مطرح کرد: "که چرا سبک‌شناسی؟ چرا نیاز به سبک‌شناسی داریم؟" و در ادامه گفت: "هر دوره‌ای فضای ذهنی و صورت‌بندی از دانایی دارد و در واقع یک رویکرد به حقیقت قائل می‌شود که با این رویکرد سعی می‌کند دانسته‌های خودش را به هم ارتباط دهد و سعی می‌کند در جهت شناخت از آنها استفاده کند. من به عنوان کسی که شاگرد آقای پیرنیا و سلطانزاده بودم این سوال برایم پیش می‌آید که وقتی صحبت از معماری ایرانی می‌شود، معماری ایرانی یعنی چه؟ ایران کجاست؟ ماجرا سر این است که آقای سلطانزاده ایرادهای دقیقی را به ماجرا وارد کرد. این طبقه‌بندی براساس مرزهای جغرافیایی یا سیاسی اعتبار دارد؟ وی در ادامه در مورد نقد این گونه گفت که "نقد به عنوان بازخوانی ماجراست. ما یک بار پدیده‌ها را بازخوانی می‌کنیم امکان‌ها را در شکل‌گیری مجدد آن بررسی می‌کنیم. نقد، امکانات شکل‌گیری آن متن را بررسی می‌کند، قضاوت به عهده خواننده است".

و در آخر گفت: "این مسیر دسته‌بندی و سبک‌شناسی را اگر یک مسیر در نظر بگیریم، من یک پیشنهاد دارم آن هم رویکرد دو زبانی است که آن رویکرد سبک‌شناسی نیست و رویکرد دیگری است. نکته دیگر اینکه من یک مسیر

دیگری مطرح می‌کنم و آن این است که ما بپذیریم که خط نکشیم، بپذیریم که حوزه‌های فرهنگی پیوسته است ما یک حوزه فرهنگی فارسی ترکی عربی هستیم."

آقای دکتر سلطانزاده

پس از پرسش و پاسخ توسط حضار آقای سلطانزاده در انتهای جلسه به بعضی از پرسش‌ها پاسخ دادند که به این قرار بود:

از اصول شروع می‌کنم اینها اصول کلی معماری است نه معماری ایرانی و نکته دیگر در مورد سبک‌ها، اینکه سبک‌شناسی اشکالات متعددی دارد و در مورد آقای پیرنیا من نگفتم ایشان نقص دارد بلکه گفتم اندیشه‌های ایشان مورد نقد است و اندیشه‌ها دچار تغییر می‌شوند.